

سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران در رویارویی با افراط‌گرایی اسلامی در مقطع زمانی پیش رو (۱۴۰۱-۱۴۰۰): مطالعه موردی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

عباس نیلفروشان^۱، مهدی جواهری^۲، حمید نقی زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۹

چکیده

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تغییر در استراتژی ایالات متحده در قبال تروریسم و با لشکرکشی به کشورهای افغانستان و عراق، حوزه فعالیت و نفوذ افراط‌گرایی در خاورمیانه افزایش یافته و بروز و ظهور آن در بحران سوریه به عنوان یک بحران قومی - مذهبی به صورت تمام و کمال تجلی یافت. با توجه به تحولات منطقه در سال ۱۴۰۰ (۲۰۲۱) پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران در رویارویی با افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در مقطع زمانی فعلی (سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰) چگونه می‌باشد؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها و اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با خبرگان جمع‌آوری شده است، سپس با بهره‌گیری از تکنیک دلفی مقوله‌ها و موضوعات مرتبط احصاء و با بهره‌گیری از ضریب هماهنگی کندال نسبت به وزن‌دهی اقدام گردید. یافته‌های پژوهش به تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در راستای امنیت متکثر در چارچوب منطقه‌گرایی با محوریت ج.ا.ایران و روسیه اشاره داشته که این رویکرد می‌تواند فصلی جدید از روابط کشورها را در راستای رویارویی با افراط‌گرایی در منطقه آغاز نماید.

کلیدواژه‌ها: افراط‌گرایی اسلامی، همگرایی امنیتی، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، منافع متعارض.

۱. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول). javaherimahdi@chmail.ir

۳. دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

ایجاد گروه‌های افراط‌گرایی توسط طالبان در افغانستان در سال ۱۹۹۴ آغاز شد و با شکل‌گیری سایر گروه‌های تکفیری ادامه پیدا نمود (واعظی، ۱۳۸۵: ۱۱). موضوع افراط‌گرایی در دهه‌های گذشته در منطقه آسیای مرکزی و ترکستان بزرگ (شامل استان سین کیانگ و اویغورهای چین) که مناطق وسیعی از چین تا روسیه را در برمی‌گیرد، آغاز شده بود که با فروپاشی شوروی سابق به صورت تدریجی و تمرکزی در منطقه آسیای مرکزی و افغانستان و سایر کشورهای حوزه این مناطق افزایش یافته بود، حرکت‌ها و احزاب اسلامی در منطقه آسیای مرکزی و بعضاً آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی شروع به فعالیت نمود؛ این امر در پی سخت‌گیری‌های دوره کمونیزم و میراث هفتادساله این بینش و رویکرد خاص (ضدیت با دین) ایجاد شد؛ در این راستا دولت‌های تازه تشکیل شده در دهه ۹۰ میلادی خود را در صحنه بین‌الملل دولتی سکولار^۱ معرفی نمودند؛ بنابراین جنبش‌های اسلامی در کشورهای موصوف غیرقانونی اعلام شد و فعالان اسلام‌گرا به دنبال ایجاد هسته‌های فعالیت خود برآمدند؛ این تحرکات به‌طور مستمر ادامه یافت و گاهی با فراز و فرود همراه بود. از سال ۲۰۱۱ گروه‌های تکفیری با گرایش‌های افراطی و سلفی‌گری با ادعای تشکیل دولت اسلامی، مبارزه با کفر و الحاد و... در کشورهای منطقه غرب آسیا (به‌طور متمرکز در سوریه و عراق) حضور یافته و با حمایت‌های ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی به سرکردگی عربستان سعودی نسبت به غارت منابع کشورها، ساقط نمودن حکومت مرکزی، فروش زنان و دختران غیرمسلمان تحت عنوان کنیز اقدام و وحشیانه‌ترین کنش‌های ضدانسانی را به نام اسلام واقعی و رجعت به منش سلف صالح (صحابه پیامبر اسلام) به مردم بی‌گناه روا داشتند. حضور بسیاری از شهروندان آسیای مرکزی و نیز قفقاز جنوبی و در مقاطعی خاص ایغورهای چین در صف گروه‌های جهادی و ارائه تصویر ولایت خراسان بزرگ (که بخش عظیمی از کشورهای آسیای مرکزی را شامل می‌شود) باعث شد در میان کشورهای این منطقه احساس تهدید مشترکی به وجود آمده و درصدد همگرایی دفاعی و

امنیتی^۱ منطقه‌ای به منظور مقابله با این پدیده برآیند. ج.ا.ایران و روسیه به‌عنوان دو قدرت منطقه و سایر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نیز که منطقه موصوف در حد فاصل مرزهای این کشورها قرار دارد به واسطه احتمال گسترش بحران گروه‌های تکفیری- تروریستی مبتنی بر افراط‌گرایی اسلامی به مرزها و در نتیجه تأثیرگذاری بر امنیت منطقه‌ای و نهایتاً امنیت ملی؛ علی‌رغم انواع منافع متعارض در مباحث گوناگون، تمام تلاش خود را در راستای منافع مشترک خود به کار بستند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی مفاهیمی همچون منطقه‌گرایی، امنیت و همگرایی منطقه‌ای بروز و ظهور بیشتری در روابط بین‌الملل یافته و آن را وارد عرصه جدیدی از مطالعات منطقه‌ای نمود؛ از این‌رو امروزه نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای از تئوری‌های به‌روز و کارآمد مسائل امنیتی در روابط بین‌الملل به حساب می‌آید^۲ (مکلین، ۲۱۱، ۳: ۵).

بوزان^۴ سطح تحلیل منطقه‌ای را به دلیل توجه به مواردی چون پویایی، برداشت‌های تغییر‌یابنده، تحول امور، تبار تاریخی، موقعیت جغرافیایی و به‌طور کلی، خصلت تکوینی قضایا و گزاره‌ها مقدم می‌دارد (نصری، ۱۳۸۳: ۳۴۳)؛ در همین راستا بیان می‌کند که چون انتقال تهدیدات در فواصل کوتاه به مراتب راحت‌تر از انتقال آن در فواصل طولانی‌تر است، وابستگی متقابل امنیتی به شکل طبیعی به الگوی دسته‌بندی‌های منطقه‌ای مجموعه امنیتی منطقه‌ای تبدیل می‌شود (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۳۸۷)؛ این نظریه اساساً در زمره نظریات دولت‌محور به حساب می‌آید؛ اگرچه با تأکید ضمنی بر هنجارها، هویت و امنیت اجتماعی و ...، واجد نوعی هستی‌شناسی سازه‌انگارانه بوده و به لحاظ نظری جایی نیز برای سایر کنش‌گران باقی می‌گذارد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۳).

1. Security Convergence

۲. این نظریه نخستین بار توسط بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در ۱۹۸۳ مطرح شد و سپس به‌عنوان نظریه‌ای کامل در سال ۲۰۰۳ در کتاب «مناطق و قدرت‌ها» ارائه شد.

3. McLean

4. Barry Buzan

چهار معیار اصلی برای مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بیان شده است: نخست نزدیکی جغرافیایی است که مجموعه‌ها را از همسایگان‌شان جدا می‌سازد؛ دومین معیار ساختار آنارشیک بوده که بیانگر لزوم وجود حداقل دو واحد خودمختار است؛ سومین عامل قطبیت است که توزیع قدرت میان واحدها را صورت می‌دهد؛ نهایتاً ساخت اجتماعی که الگوهای دوستی و دشمنی بین واحدها را برمی‌سازد (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۵۳).

در این میان روسیه تدوین و اجرایی نمودن رویکرد سیاست نگاه به شرق در استراتژی امنیت ملی خود را به‌عنوان دلیلی برای حضور در صحنه‌های میدانی کنار ج.ا.ایران در سوریه اشاره نمود (جوهری، ۱۳۹۶: ۱۰). مهم‌ترین این منافع مبارزه با گروه‌های تکفیری و جلوگیری از گسترش حوزه نفوذ آن‌ها به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی^۲ بوده که این مهم را می‌توان از طریق همگرایی دفاعی - امنیتی و تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای^۳ مرتفع ساخت؛ از این رو رهیافت نظری این تحقیق بر چارچوب منطقه‌گرایی و امنیت منطقه‌ای و نیز همگرایی شکل گرفته است.^۴ حضور میدانی روسیه در کنار ج.ا.ایران در سوریه را می‌توان نمونه و مصداق بارزی از همگرایی دفاعی - امنیتی بین دو کشور قلمداد نمود که این همکاری نظامی در یک کشور ثالث دقیقاً در خصوص ایجاد امنیت متکثر و تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به‌شمار می‌رود.

بنابراین با توجه به کارکردهای منفی و امنیتی اقتباس شده از افراط‌گرایی و بسترها و زمینه‌های موجود در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برای تسری و رشد این عامل از کانون‌های مورد اشاره، ضرورت ایجاد همگرایی دفاعی - امنیتی میان این کشورها بیش از پیش احساس می‌شود. سردار سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی کنش‌گر اصلی منطقه بارها در سخنرانی‌های خود به اهمیت منطقه قفقاز (جنوبی) اشاره نموده بود. تمامی این موضوعات می‌تواند پازل سیاست‌های استعمارگرایانه ائتلاف غربی - عبری را به همگان ثابت نماید.

1. Buzan & Wæver

2. South Caucasus

3. Regional Security Complexes (SRC)

۴. حوزه‌های مربوط به منطقه‌گرایی و امنیت متکثر در نظریه‌های مکتب کپنهاک نیز طرح گردیده است.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که سیاست‌گذاری امنیتی ج.ا.ایران در رویارویی با افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در مقطع زمانی فعلی (سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱) چگونه می‌باشد؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهش‌های مختلفی در خصوص سیاست‌گذاری‌های امنیتی و موضوعات مربوط به افراط‌گرایی انجام شده است؛ لیکن پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون مباحثی نظیر سیاست‌گذاری امنیتی ج.ا.ایران در رویارویی با افراط‌گرایی در منطقه مورد مطالعه را بررسی نموده‌اند و این کار پژوهشی می‌تواند از این حیث متمایز و جدید ارزیابی گردد. در ادامه تحقیقات و مطالعاتی که به نوعی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر می‌باشد، ارائه شده است.

پژوهش‌های داخلی

بختیارزاده و جاودانی مقدم (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی علل رشد و گسترش افراط‌گرایی مذهبی در آسیای مرکزی (۲۰۰۹-۲۰۱۹)» که به روندهای پس از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی مدل توسعه کمونیستی و روی کارآمدن رژیم‌های ریاست-جمهوری اقتدارگرا در جوامع آسیای مرکزی پرداخته شده است، تلاش کردند تا با بهره‌گیری از نظریه مشارکت جک اسنایدر به مطالعه بازخیزش دین به‌عنوان پدیده ناشی از توسعه سیاسی معاصر که ویژگی عمده آن افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی توده‌هاست پرداخته و تأثیر آن بر رشد افراط‌گرایی دینی جوامع آسیای مرکزی را بررسی کنند.

محرمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «ناسازگاری افراط‌گرایی و خشونت با مفهوم جهاد در اسلام» تلاش نموده تا ناسازگاری افراطی‌گری و خشونت را با مفهوم جهاد در اسلام بررسی و با ارائه نمونه‌هایی تبیین کند. طبق یافته‌های پژوهش، جهاد به‌معنای «کوشش در راه

خدا»، یک حکم دینی است که برای ترویج تعالیم الهی و گسترش و تحکیم صلح بین انسان‌ها، تکلیف شده است؛ فرد مسلمان مکلف است برای حیات مطلوب مبتنی بر صلح و محبت تلاش نماید. بازخوانی مفهوم جهاد در سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) هم حاکی از آن است که جنگ‌های پیامبر ماهیت اصلاحی داشته و تلاشی برای غلبه بر خشونت و مقابله با افراطی‌گرایی رایج در جزیره‌العرب بوده است؛ لذا برخلاف تفکر افراط‌گرایانه که برتری‌جویی برخی بر بعضی دیگر اصل و اساس قرار می‌گیرد، رابطه انسان‌ها در اسلام و دیگر ادیان الهی بر پایه برادری، برابری و صلح و مودت است؛ همچنین باید به این نکته توجه نمود که گروه‌های افراطی با ارائه تفسیری خودخواسته و شخصی از مفهوم جهاد در پی مشروعیت‌سازی برای خشونت هستند که علیه اشخاص و دولت‌ها به‌کار می‌گیرند.

سجادپور و پورقربان نیکی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی» تلاش نموده‌اند تا تصویری از افراط‌گرایی در ایالت سین کیانگ چین و زمینه‌ها و عوامل تشدیدکننده آن را ارائه نمایند؛ علاوه بر این نحوه برخورد و تعامل دولت مرکزی چین با ساکنان این ایالت نیز مطرح نظر قرار گرفته است. اختلافات دینی و نژادی ساکنان سین کیانگ؛ یعنی اویغورها با ساکنان اصلی کشور چین یعنی قوم هان در کنار تأثیرپذیری از گروه‌های تندرو و اسلام‌گرایان در منطقه آسیای مرکزی از جمله عوامل بروز افراط‌گرایی در سین کیانگ می‌باشد؛ این سرزمین مستعد عدم ثبات و برخورد فزاینده بین چینی‌های هان نژاد و اویغورهای بومی است؛ یکی برای استیلا و دیگری برای خودمختاری یا استقلال از اکثریت چینی‌ها؛ این مقاله با تمرکز بر تأثیرات جریان‌های تندرو در آسیای مرکزی بر تمایلات افراط‌گرایانه و جدایی‌خواهانه در استان سین کیانگ تمرکز نموده است.

آدمی و مرادی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش‌هنجاری» تلاش نموده‌اند تا مفهوم نظری و جریان‌های عینی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی را بررسی نمایند. بر اساس مواجهه با نص دین، اسلام سیاسی به دو طیف عقل‌گرا - اصلاحی و حدیث‌گرا - افراطی تقسیم می‌شود؛ در این نوشتار ضمن تعریف سلفی (به‌معنای عام و همچنین خاص آن) با توجه به ریشه‌های تاریخی - حدیثی،

اشعری و حنبلی آن، تلاش گردیده تا تصویر شفافی از جایگاه جریان‌های سلفی در قالب کلان اسلام سیاسی به دست آید که این نسبت‌ها (تقریبی، تکفیری، جهادی، سیاسی، تبلیغی) به طور کامل تشریح و تبیین گردیدند.

پژوهش‌های خارجی

حقانی^۱، کلوگوسکی^۲، رجبی فرد^۳، لتینی^۴ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «پنج‌جاه سال تحقیق علمی در مورد تروریسم» به موضوعات زیر اشاره نموده‌اند:

ادبیات علمی تروریسم در قیاس کامل خود با سه هدف اصلی تجزیه و تحلیل می‌شود: (۱) تعیین عینی چینه ساختاری این حوزه؛ (۲) مستندسازی روندهای زمانی فعلی و گذشته آن؛ (۳) شناسایی زمینه‌های کم‌تر توجه شده. میزان ادبیات این حوزه بیش از ۱۸۰۰۰ مورد تخمین زده می‌شود. در بالاترین سطح مجموع موضوعات برآورد شده از چهار بخش اصلی: (الف) سیاسی، ایدئولوژیک و جرم‌شناسی، (ب) اقتصادی، (ج) روانی و (د) جنبه‌های واکنش اضطراری تحقیقات تروریسم تشکیل شده است و... در این کار پژوهشی به ارتباط و پیوند عمیق بین افراط‌گرایی و تروریسم اشاره شده است و با روش پدیدارشناسی به بررسی این مقوله‌ها پرداخته شده است.

پیری هاندوکو^۵ و محمد سیاگیلا^۶ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «الگوی تأمین مالی تروریست در اندونزی بر اساس دولت اسلامی عراق و سوریه - مطالعه موردی گروه سانتوسو» به بررسی جمع‌آوری و مدیریت کمک‌های مالی هواداران این گروه در پشتیبانی از اقدامات تروریستی گروه موصوف می‌پردازد. نتایج این پژوهش حاکی است؛ این گروه از سه طریق منابع مالی خود را تأمین می‌نمود، کمک‌هایی که از سوی افراد داده می‌شد، حمایت

-
1. Milad Haghani
 2. Erica Kuligowski
 3. Abbas Rajabifard
 4. Peter Lentini
 5. Prihandoko
 6. Muhamad Syauqillah

هواداران و اهدا کمک‌های نقدی و پول‌های ناشی از اقدام مجرمانه سرقت موتورسیکلت و فروش آن که این مبالغ از طریق انتقال از بانک و یا کارت‌ها به وسیله دستگاہ خودپرداز صورت می‌گرفت. در بخش دیگری از این کمک‌ها درآمد حاصله از کشت کاکائو در زمره این پشتیبانی‌ها قرار می‌گرفت؛ البته این شیوه به صورت بلندمدت قابلیت استمرار را نداشت.

فرلیک^۱، گرون والد^۲، ماندالا^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری وضعی از تروریسم و جرم» به صورت نظام‌مند ادبیات منتشر شده در حوزه پیشگیری وضعی از وقوع جرم^۴ و تروریسم را بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۶ بررسی می‌نماید. در این مطالعه همچنین بر تعدادی از متغیرهای مرتبط با پیش‌زمینه‌های فکری نویسندگان، مؤسسات انتشاراتی آثار مربوطه، روش‌های مورد استفاده در کارهای پژوهشی، کشورها و گروه‌های تروریستی نیز تمرکز گردیده است. نتیجه این پژوهش حاکی است که تعدادی از مسائل ناشناخته در این حوزه شناسایی گردیده که می‌بایست مورد توجه بیشتری قرار گیرند. موضوعاتی نظیر نیاز به طرح‌های چند متغیره بیشتر، تمرکز دقیق‌تر بر جنبش‌های تروریستی خاص و راهبردهای مورد استفاده در قبال آن‌ها و احتمالاً اصلاح اقدامات شرورانه و سایر ارکانی که به‌عنوان فرصت در اختیار تروریست‌ها قرار گرفته است.

فلیپ^۵ و کامن^۶ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «ورود به سیاه چاله طالبان، تروریسم و جرایم سازمان‌یافته اظهار می‌دارند که همکاری و الگوپذیری بین گروه‌های مجرمانه و تروریستی در سال‌های اخیر باعث ایجاد پیوند بین این دو گردیده است. مفهوم‌سازی خطی طیف جنایت-ترور نشان می‌دهد که هم‌گرایی کامل این دو مفهوم در یک حالت شکست خورده می‌تواند منجر به ایجاد یک سیاه‌چاله شود.

-
1. Joshua D. Freilich
 2. Jeff Gruenewald
 3. Marissa Mandala
 4. Situational Crime Prevention
 5. Matthew D. Phillips
 6. Emily A. Kamen

مبانی نظری

مقوله همگرایی‌های دفاعی - امنیتی از نقطه نظر منطقه‌گرایی و امنیت متکثر مورد بررسی قرار گرفته است و چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با تعریف موسعی که از قدرت صورت می‌گیرد، دیگر توزیع قدرت به تنهایی برای برآورد الگوهای منازعه در منطقه کافی نیست؛ بلکه متغیرهای مختلف در بستر خاصی نظیر مذهب، تاریخ، فرهنگ و جغرافیا الگوهای دوستی و دشمنی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۲۸۶)؛ از این‌رو در سوریه شاهد آن بودیم که اختلافات مذهبی با ظهور گرایش‌های فکری تکفیری برآمده از القاعده چگونه الگوهای دوستی و دشمنی منطقه را دستخوش تغییر کرده است؛ منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نیز به دلیل داشتن بسترهای مناسب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی در این زمینه در معرض تهدید جدی قرار دارند. از این‌رو وجود این تهدید مشترک و قابلیت تسری آن از خاورمیانه به این منطقه به دلیل قرابت جغرافیایی (و نیز نزدیکی به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های افراط‌گرایی، یعنی افغانستان) و وجود بسترهای مناسب، زمینه را برای گسترش همکاری‌های دفاعی - امنیتی و نتیجتاً همگرایی بیشتر در چارچوب جبری امنیتی، برای کشورهای این منطقه فراهم آورده است؛ در همین راستا روسیه به‌عنوان بازیگر بزرگ منطقه‌ای نقشی اصلی و اساسی را در شکل‌گیری و مدیریت این مجموعه امنیتی دارا می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز اگرچه در مجموعه امنیتی منطقه آسیای مرکزی قرار نمی‌گیرد به‌عنوان کشوری که دارای مرز زمینی و دریایی مشترک با کشورهای این منطقه و قفقاز جنوبی می‌باشد، می‌تواند کنش‌گری و نقش خود را به‌عنوان دولت عایق^۱ و نیز یک قدرت منطقه‌ای را ایفا نماید؛ البته با توجه به دیده‌بانی‌های میدانی صورت گرفته می‌توان متصور دانست چین نیز به دلیل برخی مشترکات با آسیای مرکزی تمایل دارد به‌عنوان کنش‌گر و یک بازیگر فعال حضور داشته باشد که در این خصوص انجام رزمایش‌های مشترک با ج.ا.ایران و روسیه را می‌توان از قرائن این موضوع و مؤید آن دانست. به هر حال باید توجه داشت که تحولات امنیتی موجود در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

می‌تواند به سرعت به مناطق همجوار نیز تسری یابد و دولت‌ها را با مشکلات دفاعی - امنیتی پیچیده‌ای مواجه نماید. در خصوص چین و تمایل به بازیگری در این مناطق، موضوع را می‌توان به سابقه تاریخی این کشور در مسئله سین کیانگ ارجاع داد؛ چراکه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، چین بیش از هر چیز از گسترش موج بی‌ثباتی از آسیای مرکزی به استان «سین کیانگ» و دامن زدن به جدایی طلبی «اویغورها» نگران بود (استودن، ۱۹۹۸: ۴۰۱). در موضوع سین کیانگ، سه مسئله جدایی طلبی، افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم به هم گره خورده‌اند. سابقه تاریخی جنبش جدایی طلب در سین - کیانگ، به شورش «هوی» در سال‌های ۱۸۷۷ - ۱۸۶۷ به رهبری «یعقوب بیگ» برمی‌گردد؛ همچنین ریشه‌های آن را می‌توان در تشکیل «جمهوری ترک - اسلامی ترکستان شرقی» در نوامبر ۱۹۳۳ یافت که حدود ۵ ماه دوام پیدا کرد (دیتمر، ۲۰۰۷: ۱۴)؛ در این راستا حضور افرادی تحت عناوین مبارزان اسلامی رادیکال از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به عنوان یک پدیده ایجاد شد و گروه‌هایی که توسط این افراد نظیر (نهضت اسلامی ازبکستان و اتحادیه جهاد اسلامی) شکل گرفته‌اند نه تنها به این کشورها وابسته بوده؛ بلکه از اتباع سایر کشورهای نظیر روسیه، پاکستان، انگلستان، فرانسه، آلمان، چین و ترکیه نیز شکل گرفته‌اند و در حال حاضر در این کشورها فعال می‌باشند (لانگ، ۲۰۱۳: ۶).

یکی از مشارکت‌های اصلی مکتب کپنهاگ نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. در این نظریه فرض می‌شود که مسائل امنیتی را می‌توان حول مجموعه‌های منطقه‌ای از لحاظ جغرافیایی متمایز گروه‌بندی کرد و از مفهوم امنیت‌سازی برای توضیح پویایی‌ها در محیط امنیتی در داخل و بین مناطق استفاده نمود؛ با این حال تحولات اخیر هم در زمینه مطالعات امنیتی و هم با توجه به امنیت منطقه‌ای و جهانی، ما را بر آن می‌دارد تا در نظریه اصلی تجدیدنظر کنیم؛ در حالی که این نظریه قدرت توضیحی خود را حفظ می‌کند و بسیاری از مفروضات آن قابل اجرا هستند، نیاز واضح برای رسیدگی به کاستی‌های آشکار شده در

1. Stobdan
2. Dittmer
3. Lang

نظریه نسبت به تغییرات در چشم‌انداز امنیتی وجود دارد. از جمله مسائل مربوط به ماهیت احتمالی این نظریه نسبت به تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل عبارتند از: توازن قوا، ترتیبات امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین منطقه‌ای، الگوهای در حال تحول دوستی و دشمنی و همچنین ناتوانی نشان داده شده آن در پاسخ‌گویی ماهیت متغیر تهدیدات امنیتی و ادراک تهدیدات (ژازبک، ۲۰۱۹: ۲۰).

بنیادگرایی و امنیت‌زدایی

اصطلاح بنیادگرایی اسلامی را نخستین بار جان فاستر دالاس^۲ وزیر وقت امور خارجه آمریکا در پی شکست دولت‌های فرانسه و بریتانیا در بحران کانال سوئز در ۱۹۵۶ به‌کار برد که گویای پیدایش گونه‌ای نگرانی در میان کشورهای غربی بود (رنجبر و صیاد، ۱۳۹۲: ۲). از آن پس این عبارت از نگاه فرهنگ علوم سیاسی با وجود اختلاف مفهومی در اروپا و آمریکا بدین صورت تعریف می‌گردد:

نگاه اصطلاحی است که به هر جنبش طرفدار اجرای تعالیم قرآن و شریعت اطلاق می‌شود و مترادف با پویش مذهبی، به‌ویژه پویش‌های جهان‌سومی و جریان‌های اسلامی می‌باشد (بیدخت و شیخ‌علیان، ۱۳۸۰: ۲۵۲-۲۵۱)؛ از طرفی نیز از منظر دکمیجان^۳، بنیادگرایی واکنشی مذهبی-سیاسی در برابر بحران‌های اجتماعی و اقتصادی است که همواره در جوامع اسلامی وجود داشته؛ بنابراین بحران‌ها و واکنش‌های مذهبی که هم‌اکنون مشاهده می‌شود جدید نیستند و فقط رویکرد غرب‌ستیزی در آن‌ها جدید است (احمدی، ۱۳۷۰: ۲۵-۲۰). نهایتاً ویژگی‌های کلی بنیادگرایی را می‌توان رد صریح یا ضمنی عقل و اجتهاد، مخالفت با ابتکار و نوآوری، جمود، قشری‌گری، تحجر، محافظه‌کاری، سنت‌گرایی و رجوع به سنت، تمامیت‌گرایی، مطلق‌نگری، نفی کثرت‌گرایی، استفاده از زور و... عنوان کرد (آقایی، دمیری، ۱۳۹۳: ۶).

1. Jarzabek
2. John Foster Dulles
3. Richard Dekmejian

در خلال جنگ‌های نیابتی علیه سوریه و عراق جمع‌کنیری از مردان و زنان از منطقه آسیای مرکزی و مجاورت آن برای حضور در این درگیری‌ها به منطقه خاورمیانه سفر نمودند و تعدادی از این افراد بین ۲ تا چهار هزار نفر از این افراد برای یافتن و استقرار جایگزین اسلامی مناسب به کشورهای سکولار خود بازگشتند؛ این افراد نه برای انجام اقدامات مبارزانه و خشونت‌آمیز؛ بلکه در پی یک زندگی بر پایه افراط‌گرایی اسلامی به سرزمین‌های خود مجدداً بازگشتند (گروه بین‌المللی بررسی بحران‌ها، ۲۰۱۵).

نقش قیم‌مآبانه‌ای که بنیادگرایان برای خود متصورند، باعث گشته تا گروه‌های خشونت‌گرا خود را جایگزین نظام حاکم دانسته و در این امر خود را ذی‌حق‌ترین در اداره مملکت بدانند و از این رو وارد درگیری با دولت شوند؛ البته باید اذعان داشت که تمام جریان‌ات اسلام‌گرا یا به زعم کشورهای اروپایی و هم‌پیمانان ایالات متحده بنیادگرا خشونت‌طلب نیستند. با تحولات اسلام‌گرایی از دهه ۷۰ به بعد عوامل بسیاری در چرخش جریان بنیادگرای اسلامی به سمت خشونت تأثیرگذار بودند. سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه، به‌ویژه حمایت از رژیم صهیونیستی و رژیم‌های سرکوبگر منطقه و مداخلات نظامی آن در منطقه مزبور و همچنین بی‌توجهی رژیم‌های سرکوبگر منطقه به خواست‌های گروه‌های اسلام‌گرا از این دست می‌باشد (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۶)؛ از این‌رو گروه‌های تکفیری - تروریستی مبتنی بر بنیادگرایی، برای دسترسی به اهداف خود با تفکر تکفیر، خشونت و تروریسم را ابزاری مجاز دانسته و در این مسیر از هیچ اقدامی فروگذار نبوده‌اند (امینی و حزب‌بوی، ۱۳۸۹: ۷۹)؛ لذا بنیادگرایی دیگر یک مشی تبلیغاتی نبوده و با تغییر راهبرد خود به سمت نبرد مسلحانه در ابتدا در امنیت یک منطقه تأثیر گذارده و شرایط ایجاد شده و پس از مدتی می‌تواند امنیت ملی یک کشور را تحت الشعاع خود قرار دهد. دیگر عامل قابل توجه در این راستا تقابل بنیادگرایی و سکولاریسم است. تمامی دولت‌های آسیای مرکزی با توجه به قانون اساسی‌شان سکولار بوده و این بدین معنی است که مذهب از سیاست کاملاً جدا می‌باشد. از طرفی نیز مقامات رسمی این کشورها از اظهار هرگونه نگرشی

نسبت به اسلام منع شده‌اند (ویر،^۱ ۲۰۰۵: ۲)؛ این عامل تأثیرگذار در کنار سیاست‌های اسلام‌ستیزی دولت‌های این منطقه به‌عنوان کاتالیزوری جهت اقدامات بنیادگرایان عمل کرده و با توجه تجربه ۷۰ ساله کمونیسم و دخالت قدرت‌های غربی و شرقی در کشورهای اسلامی و راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی و البته بهره‌گیری از تجارب مجاهدین در افغانستان که در همسایگی آسیای مرکزی قرار داشته، موجب بروز اقدامات ضدامنیتی توسط این گروه‌ها گردیده است که بحران‌های مختلف این منطقه از جمله جنگ داخلی تاجیکستان و نیز موارد رخ داده در خصوص حزب‌التحریر در ازبکستان شاهدهی بر این مدعاست؛ همین عامل سبب غلبه رویکرد امنیتی بر روابط میان کشورهای این منطقه گردیده است که بر مناسبات این کشورها تأثیر گذارده است. از طرفی نیز این منطقه سابقه و ویژگی‌های منحصر به فردی داشته که موجب آسیب‌پذیری مضاعفی نسبت به بنیادگرایی در مقوله امنیتی داشته باشد، ضمناً بحران بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان نیز در منطقه قفقاز جنوبی در همسایگی آسیای مرکزی و ج.ا.ایران در دوران جدید خود یعنی سال ۲۰۲۰ به نوعی با همراهی گروه‌های تکفیری به پشتیبانی ترکیه و آذربایجان همراه بوده است. به‌طوری که سیاست‌های خصمانه رژیم صهیونیستی و ایالات متحده مبتنی بر سلطه و احاطه بر کشورهای همسایه ج.ا.ایران در راستای انجام اقدامات ایذایی و نبردهای نیابتی علیه کشورمان برآمده‌اند و به صراحت در رسانه‌های خود راهبرد خود را تهاجمی اعلام نموده و اقدامات آنان نیز مؤید این سیاست هجومی در صحنه میدانی است؛ البته باید افزود که ج.ا.ایران نیز علی‌رغم دیپلماسی فعال در حوزه دفاعی - نظامی به درستی در برهه‌های لازم اقدامات پیش‌دستانه و تلافی-جویانه خود را انجام داده و اقتدار نظام اسلامی را حفظ نموده است. در شرایط فعلی از بعد مناقشه و درگیری نظامی اخیر آذربایجان و ارمنستان، رژیم صهیونیستی با همکاری ترکیه درصدد برآمده تا گروهی از تکفیری‌های افراطی را هدایت نموده تا در حوزه جغرافیایی قفقاز جنوبی حد فاصل مرزهای ج.ا.ایران با آسیای مرکزی و روسیه متمرکز نموده تا از طریق اقدامات ایذایی محیط این مجموعه را مختل نمایند، بر این اساس سیاست دفاعی - امنیتی

کشورهای پیرامون این منطقه در یک همگرایی قرار گرفته و علی‌رغم مشکلات و موضوعات مورد اختلاف در این شرایط خاص همسو نمودن اقدامات و سیاست‌های دفاعی خود را از اولویت‌های مأموریتی قرار داده تا از این طریق بتوانند بر مشکلات و درگیری‌های نیابتی آتی فائق آیند و قادر بوده محیط پیرامونی را تحت مدیریت دفاعی - امنیتی قرار دهند. حال به منظور تحلیل شرایط موجود در منطقه نیاز است به پاره‌ای از مشکلات در حوزه‌های داخلی کشورهای منطقه اشاره نمود:

زمینه‌های تسری و رشد بنیادگرایی به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

همان‌طور که بیان شد افراط‌گرایی کارکردهای گوناگونی در امنیت زدایی داشته که می‌تواند بر سطوح مختلف امنیت اعم از ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی تأثیر بگذارد؛ اما در خصوص آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، زمینه‌ها و بسترهای متعددی وجود داشته که توانمندی این آسیب‌پذیری را دوچندان می‌نماید. حضور ۱۳۰۰ ساله دین اسلام (البته قرابت تکفیری و افراطی که به آن نسبت داده شده) در آسیای مرکزی نخستین عامل قابل ذکر در این خصوص می‌باشد (حسین‌زاده‌شانه‌چی، ۱۳۹۳: ۸۷). به‌عنوان دومین عامل نزدیکی و قرابت جغرافیایی به کانون بنیادگرایی اسلامی مبتنی بر خشونت (افغانستان به‌عنوان خاستگاه نخستین، عراق و سوریه در ادامه آن و در حال حاضر کانون‌های فعلی افراط‌گرایی که بررسی‌های میدانی و دیده‌بانی‌های صورت گرفته حکایت از استقرار و حضور کانون جدیدی از افراط‌گرایی مبتنی بر تکفیر در آذربایجان دارد) قابل ذکر است؛ اگرچه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک مانع جغرافیایی - و نیز فرهنگی - تاحدی سد راه تسری افراط‌گرایی از سوریه و عراق به آسیای مرکزی است؛ اما همسایگی افغانستان با آسیای مرکزی و تلاش‌های عربستان سعودی و ترکیه در این زمینه تأثیرگذار بوده است. گزارش‌های بسیاری در رسانه‌ها مبنی بر انتقال نیروهای داعش از آسیای مرکزی توسط عربستان و از طریق ترکیه منتشر شده است؛ همچون گزارشی که طبق آن سفارت عربستان در شهر دوشنبه تاجیکستان نیروهای جهادی را به ترکیه و سپس به سوریه و عراق منتقل کرده بود (استودن‌ریال ۲۰۱۴: ۳). عامل سوم که

درواقع مهم‌ترین زمینه را در این مهم فراهم نموده، حضور پرشمار شهروندان کشورهای آسیای مرکزی در صف گروه‌های تکفیری-تروریستی در سوریه، عراق و افغانستان بود (داینر^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۴۵)؛ علاوه بر این‌ها باید به این نکته نیز اذعان داشت که ترسیم ژئوپلیتیک ولایت خراسان داعش که شامل این منطقه نیز می‌شود، موجب جلب توجه افراط‌گرایان شده است. چهارمین عامل بسترساز تسری و رشد افراط‌گرایی اسلامی دولت-ملت‌سازی ضعیف در این کشورها می‌باشد؛ در این راستا مشخصه‌های دولت-ملت‌سازی موفق مقوله‌های اشباع سرزمینی، همبستگی اجتماعی و ثبات سیاسی قلمداد شده‌اند (ایوب^۲، ۱۹۹۷: ۱۳۶).

همگرایی امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی

با شروع جنگ داخلی و اعلام حضور گروه‌های جهادی در کنار مخالفین دولت سوریه در سال ۲۰۱۱، نگرانی‌هایی میان کشورهای منطقه و حتی نظام بین‌الملل را شاهد بوده‌ایم. بروز و ظهور این نگرانی امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و آسیب‌پذیرترین مناطق در مقابل این بحران پس از خاورمیانه) در قالب همگرایی امنیتی کشورها بود. نمونه همگرایی امنیتی کشورها در مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی را می‌توان به مانورهای مشترک ج.ا.ایران با چین و روسیه به‌صورت سه‌جانبه در سال ۱۳۹۸ و نیز با روسیه به‌طور دوجانبه در سال ۱۳۹۹ اشاره نمود. علاوه بر این‌ها در ابعاد ایجابی‌تر نیز نظاره‌گر جلوه‌هایی از این همگرایی میان کشورهای آسیای مرکزی به منظور مقابله با بنیادگرایی اسلامی بوده‌ایم.

باید اذعان داشت این همگرایی دفاعی - امنیتی در بستر هراس از تهدید مشترک بنیادگرایی مبتنی بر تروریسم و خشونت، به‌رغم وجود اختلافات میان این کشورها در دیگر حوزه‌های مختلف صورت گرفته است؛ در همین زمینه می‌توان به اختلافات مرزی، بحران

آب، حضور اقلیت‌های قومی، تقابل‌های هویتی، رقابت‌های اقتصادی و سیاسی و... اشاره کرد. مهم‌ترین عامل این همگرایی در کنار این اختلافات را می‌توان نقش روسیه در مناسبات سیاسی و امنیتی این منطقه عنوان کرد.

روسیه همواره آسیای مرکزی و منطقه قفقاز به‌ویژه قفقاز جنوبی را در زمره مناطق حائز منافع خاص خود یا به عبارتی حیات خلوت خود به حساب آورده است. مسکو به دنبال حفظ سطوح بالای تأثیرگذاری اش بر کشورهای منطقه به وسیله استفاده فعال از پیوندهای تجاری توسعه یافته در دوره شوروی و نیز از طریق ساختارهای همگرایی و اتحادیه‌های محلی (نظیر جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، پیمان امنیت دسته‌جمعی، گروه شانگهای پنج، جامعه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه گمرکی اوراسیا، فضای اقتصادی اوراسیایی و در نهایت اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از جمله مهم‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای با کارویژه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی - دفاعی هستند) بوده است (گابدلین، ۲۰۱۱: ۲۸).

یکی از اقدامات مهم روسیه در این زمینه علاوه بر مدیریت مناسبات سیاسی، دفاعی و امنیتی از طریق تعریف و بسط الگوهای دوستی و دشمنی، تجهیز و آموزش نظامی این کشورها بوده که طی سال‌های گذشته بیشتر بر کنترل مرزهای جنوبی با افغانستان و آموزش و تجهیز دفاعی، نظامی-اطلاعاتی به منظور اقدامات ضدتروریستی متمرکز بوده است؛ علاوه بر این در اختلافات میان این کشورها روسیه نقش میانجی را به‌رغم حضور رقبایی همچون سازمان امنیت و همکاری اروپا ایفا نموده است؛ علاوه بر این باید توجه داشت به سبب ژئوپلتیک خاص و منابع غنی انرژی این منطقه محل تلاقی سیاست‌های ایالات متحده و روسیه از یک سو و نیز محل نفوذ کشورهای نظیر ج.ا.ایران، چین، عربستان سعودی، ترکیه و رژیم صهیونیستی می‌باشد؛ از این رو توسعه افراط‌گرایی در آسیای مرکزی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی قرار داشته که خلاء ژئوپلتیکی پس از فروپاشی اتحاد شوروی بازی بزرگ جدیدی را در این منطقه شکل داده است (کولای، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

از طرف دیگر واقعیت این است که رشد رادیکالیسم مذهبی در آسیای مرکزی و هر نقطه دیگر جهان، نه تنها برای ایران مطلوب نیست؛ بلکه هم با بنیاد سیاست مذهبی ایران در تعارض است و هم تهدیدی بر منافع ملی تلقی می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۵: ۲۰۱). حضور ج.ا.ایران و روسیه در کنار یکدیگر در بحران سوریه در مقابل گروه‌های تکفیری-تروریستی نیز عاملی دیگر در نزدیکی منافع دفاعی - امنیتی این دو در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی می‌باشد. در حقیقت ثبات و امنیت در مناطق موصوف از مهم‌ترین منافع مشترک ج.ا.ایران و روسیه است به نحوی که «نیکلای پاتروشف»^۱ دبیر شورای امنیت روسیه بیان داشت، موارد مذکور موجب رفع موانع سیاسی برای عضویت ج.ا.ایران در پیمان شانگهای^۲ گردید که در نهایت منجر به عضویت قطعی ج.ا.ایران در این سازمان شد.

نهایتاً اینکه ج.ا.ایران و روسیه در کنار کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی خواهان ایجاد همگرایی دفاعی - امنیتی در قالب تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به منظور تأمین ثبات و امنیت و به‌خصوص مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم می‌باشد. در میان این کشورها وابستگی متقابل دفاعی - امنیتی در حدی است که بتوان حدود یک مجموعه امنیتی را تعیین کند؛ اما پویای منطقه‌ای به حدی ضعیف است که نمی‌توان آن را مجموعه امنیتی کاملی تلقی کرد؛ از این‌رو همان‌طور که پیش از این اشاره شد، همگرایی دفاعی - امنیتی تنها در قالب شبه‌مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌تواند حاصل شود. اعضای شانگهای به‌طور خاص روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در صدد این نوع از همگرایی بوده و به دنبال یک ائتلاف با ج.ا.ایران بودند که بتواند در قالب همکاری‌های اقتصادی متقابل موضوعات و چالش‌های دفاعی - امنیتی را نیز طرح و با تمام توان مرتفع نمایند.

اهمیت قفقاز جنوبی و دلیل آغاز درگیری سال ۲۰۲۰

روسیه به‌رغم قدرت نظامی و اقتصادی منطقه‌ای و حتی قدرت جهانی به دلیل داشتن منافع سیاسی، اقتصادی و... در منطقه قفقاز جنوبی با کنش‌گری فعال و تأثیرگذاری سعی

1. Nikolay Patrushev

2. Shanghai Cooperation Organisation

نموده بود تا شرایط خاص منطقه به‌ویژه در مسئله قره باغ به‌عنوان یک موضوع غیر قابل حل بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان باقی بماند، تا اینکه درگیری سال ۲۰۲۰ رخ داد و دلایل مهم آن را می‌توان عدم تعادل بین دو کشور موصوف، ثروتمندشدن آذربایجان به واسطه انتقال نفت و گاز این کشور با پشتیبانی ایالات متحده به بازارهای غربی بدون بهره‌مندی از حوزه‌های سرزمینی ج.ا.ایران نام برد که این امر یکی از دستاوردهای ایالات متحده از دهه ۹۰ میلادی تاکنون در این منطقه به‌شمار می‌رود؛ در این مقطع خاص زمانی آذربایجان بودجه نظامی و دفاعی خود را معادل کل بودجه کشور ارمنستان هزینه تا به توانمندی‌های مدرن نظامی دست یابد و این نشانه‌ای برای از سرگیری درگیری‌ها قلمداد می‌گردد (اسوانت، ۲۰۲۰).

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از آن جهت که قصد دارد سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی در رویارویی با افراط‌گرایی در منطقه در شرایط حال و مقطع زمانی سال گذشته و سال جاری را بررسی نماید، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها و اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با خبرگان جمع‌آوری شده است. در بخش دوم جمع‌آوری میدانی داده‌ها برای اخذ نظرات خبرگان ارائه پیشنهادها و انجام وزن‌دهی و تعیین اولویت‌ها، تعداد ۱۵ نفر از مدیران و خبرگان حوزه اطلاعات و امنیت، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای که به لحاظ علمی و اجرایی در حوزه‌های مربوطه دارای مسئولیت بوده و پژوهش‌هایی در این خصوص انجام داده‌اند جامعه آماری را تشکیل داده که با توجه به شرایط خاص به شیوه گلوله برفی^۲ انتخاب گردیدند.

-
1. Svante
 2. Snowball sampling method

جدول ۱. ویژگی‌های خبرگان و متخصصان جامعه آماری

ردیف	ویژگی‌ها
۱	دارای تخصص و تجربه در حوزه‌های امنیت و اطلاعات
۲	سابقه حضور در بخش‌های میدانی در حوزه اطلاعات و امنیت (مناطق مرزی و عملیاتی) در سطوح مختلف مدیریتی
۳	دارای مدارک دانشگاهی در حوزه‌های مرتبط با موضوعات امنیتی و اطلاعاتی
۴	دارای آثار علمی در حوزه‌های مورد بحث
۵	دارای سطوح بالای خبرگی در حوزه‌های مقابله‌ای

برای محاسبه پایایی پرسش‌نامه کیفی از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. در مصاحبه با روش توافق درون موضوعی؛ دو کدگذار از یکی از استادان دارای اشراف در خصوص موضوع و نیز دارای تخصص آماری و آشنا به کدگذاری درخواست شد تا به‌عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش مشارکت کند. در ادامه محققان به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرد و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به‌کار می‌رود را محاسبه نموده؛ پایایی حاصل از دو کدگذار با توجه به محاسبات ۹۱ درصد به‌دست آمد که بیانگر پایایی مناسب پرسش‌نامه بود.

در این راستا نظرات خبرگان با بهره‌گیری از تکنیک دلفی اخذ و پس از انجام این روند به‌صورت چندین مرتبه اخذ نظرات و ارسال مجدد سؤالات (با توجه به محدودیت زمان سؤالات و فرایند ارسال و اخذ مجدد نظراتان جامعه آماری از طریق پیامک و سایر روش‌های ارتباطی مبتنی بر فن‌آوری‌های روز صورت گرفته است)؛ در نهایت با بهره‌گیری از ضریب هماهنگی کندال بررسی گردید. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت بین چندین دسته رتبه مربوط به κ پدیده است؛ این مقیاس برای تعیین روایی دیدگاه خبرگان قابل استفاده است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آن‌ها مرتب کرده‌اند، به‌طور اساسی معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هریک از مقوله‌ها به‌کار برده‌اند و از این نظر با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

فرمول محاسبه ضریب کندال به‌صورت زیر است:

$$W = \frac{12S}{m^2(n^3 - n)}$$

$$S = \sum_{i=1}^n (R_i - \bar{R})^2$$

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش از خبرگان امر (نمونه آماری) با توجه به سؤالات ارائه شده در قالب یک پرسشنامه خواسته شده تا عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی که از دید آنان دارای اهمیت بوده را احصا و ارائه نمایند و از آنجایی که فرایند اخذ نظرات با بهره‌گیری از تکنیک دلفی صورت گرفته و طی چندین مرحله این امر بین محقق و نمونه آماری رفت و برگشت داشته است؛ در نهایت موضوعات زیر بدست آمده که بر اساس وزن‌دهی صورت گرفته در قالب جدول زیر ارائه می‌گردد، ضمناً در جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی هریک از اعضای نمونه آماری نظرات خود را ارائه نموده و پس از تحلیل و مقوله‌بندی و حذف و ادغام برخی موارد و مقوله‌های مشترک در نهایت در قالب موضوعات زیر جمع‌بندی گردید که به منظور اولویت‌بندی با بهره‌گیری از ضریب کندال به صورت مشروحه زیر ارائه می‌گردد:

جدول ۲. میزان اجماع نظر خبرگان با استفاده از ضریب هماهنگی کندال

موضوعات	میزان وزن (۱-۳)	ضریب کندال	درجه آزادی	سطح معناداری
ایجاد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای	۳	0/706	۱۴	0/054
کنش‌گری پویا و فعال به صورت بازیگر مؤثر	۳	0/877	۱۴	0/06
مقوله افراطی‌گری به عنوان تهدید مشترک در منطقه	۲	0/701	۱۴	0/103
حضور ایران و روسیه به عنوان دو قطب قدرت در منطقه	۳	0/688	۱۴	0/082
پیوستن ایران به شانگهای در راستای منطقه‌گرایی	۲	0/713	۱۴	0/696
تعامل در از بین بردن گروه‌های تروریستی - تکفیری منطقه	۲	0/797	۱۴	0/224
منطقه‌گرایی در چارچوب امنیت متکثر	۲	0/688	۱۴	0/235
ژئوپلیتیک منطقه و جبر جغرافیایی در راستای همگرایی دفاعی - امنیتی	۲	0/714	۱۴	0/322

ضرایب بدست آمده نشان‌دهنده سطح معناداری کلیدواژه‌های احصاء شده توسط جامعه آماری می‌باشد و از این حیث می‌توان به این نتیجه رسید که موارد احصاء شده دارای سطحی از مقبولیت بوده که توسط مدیران و خبرگان حوزه اطلاعاتی، انتظامی و منطقه‌ای و بین‌الملل پس از چندین مرحله سؤال و پاسخ به دست آمده است؛ بنابراین می‌توان با دید کارشناسی کلید واژه‌های ارائه شده با قدری جرح و تعدیل و موضوعات کارشناسی در قالب سیاست‌های دفاعی و امنیتی که در شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان بالاترین مرجع سیاست‌گذاری در این زمینه‌ها، بهره‌برداری نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به موضوعات طرح شده در حوزه همگرایی دفاعی - امنیتی در منطقه به‌ویژه منطقه حد فاصل مرزهای ج.ا.ایران و روسیه که در حال حاضر این منطقه شامل کشورهای آسیای مرکزی^۱ و قفقاز جنوبی می‌باشد کشورها می‌بایست در حوزه همگرایی منطقه‌ای ورود نموده و معادلات منطقه‌ای را خود تغییر داده و این امر مبتنی بر رفتار امنیت‌ساز بازیگران در سطح منطقه محقق خواهد شد و در این خصوص کشورهای منطقه باید در چارچوب‌های منطقه‌گرایی و تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و یا ائتلاف‌های مبتنی بر همکاری‌های مشترک در زمینه‌های مختلف حرکت نمایند و از هرگونه اقدامات امنیت‌زدا پرهیز کنند. ج.ا.ایران با بهره‌گیری از دکترین مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و تجارب ارزشمند خود در سوریه و عراق نشان داد که در مبارزه با افراط‌گرایی در سطح منطقه، کشورها باید به یک اجماع رسیده و در خصوص تشکیل مجموعه‌ها و یا حتی شبه‌مجموعه‌های امنیتی قدم‌های مؤثری را برداشته و اقدام نمایند. حضور میدانی سوریه در کنار ج.ا.ایران در سوریه یک تجربه مثبتی قلمداد می‌گردد که می‌تواند این امر را در منطقه مورد مطالعه (آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی) اجرایی نمود؛ البته پیوستن ج.ا.ایران به سازمان شانگهای و سیاست‌های تعامل و همکاری با

اولویت‌های کشورهای همسایه و منطقه که در دستور کار ویژه دولت سیزدهم قرار دارد؛ بخش اعظمی از سیاست‌گذاری‌های کشورمان را در حوزه مقابله و رویارویی با افراط‌گرایی و همچنین تروریسم محقق نموده است و نشان داده که به‌رغم تهدیدات با فواصل نزدیک در منطقه قفقاز جنوبی برای کشورهای منطقه به‌ویژه ج.ا.ایران اقدامات پیشگیرانه‌ای اتخاذ گردیده است و از هرگونه رویاپردازی رهبران دولت‌های همسایه در حوزه مناطق آذری ج.ا.ایران، الحاق و تغییر مرزهای همسایه‌های شمال غربی کشور و... با حمایت‌های دولت‌های غربی و عربی به‌طور قاطع جلوگیری خواهند نمود.

موضوعات زیر نیز در قالب پاسخ به سوال این پژوهش مبنی بر سیاست‌گذاری امنیتی ج.ا.ایران در رویارویی با افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در مقطع زمانی فعلی (سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱) چگونه می‌باشد؟ ارائه می‌گردد:

- ۱- در وهله اول مسئله‌یابی و انجام فرایندهایی به‌منظور احصاء دغدغه‌ها در حوزه مسایل امنیتی، متعاقب افراط‌گرایی؛
- ۲- ایجاد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و حضور مؤثر کشورهای منطقه به‌صورت مستمر در نشست‌های مشترک مرتبط؛
- ۳- کنش‌گری پویا و فعال به‌صورت بازیگر مؤثر و در ادامه آن تنظیم صورت جلسات مشترک امنیتی و تبادل هیئت‌های سیاسی، امنیتی و...؛
- ۴- پذیرش افراطی‌گری به‌عنوان تهدید مشترک برای کشورهای منطقه (مورد مطالعه) و انجام سیاست‌گذاری در این حوزه مبتنی بر سطح و دامنه تهدیدات؛
- ۵- حضور ج.ا.ایران و روسیه به‌عنوان دو قطب قدرت در منطقه و تثبیت این حضور با انجام رزمایش‌ها و ...

پیشنهادها

در این راستا پیشنهاد می‌گردد:

- به‌منظور تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در چارچوب امنیت متکثر و منطقه-گرایی پیشنهاد می‌گردد در حوزه اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی کنش‌گری دولت بیشتر و قوی‌تر ظاهر گردد.
- زمینه حضور بخش خصوصی و معافیت‌های خاص در این حوزه به فعالان امتیازات ویژه اعطا گردد؛ چراکه زمینه همکاری‌های امنیتی تبادلات اقتصادی می‌باشد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آقایبی، سید داود؛ دمیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، «بررسی نقش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی (مطالعه موردی ازبکستان)»، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، س ۶، ش ۱۸، ۳۹-۱.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، سیاست خارجی، س ۲۱، ش ۲، ۴۵۸-۴۳۹.
- امینی، علی‌اکبر؛ حزب‌وی، قاسم (۱۳۸۹)، «مبانی فکری خشونت سیاسی در بنیادگرایی اسلامی»، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، س ۳، ش ۱۲، ۱۰۰-۶۵.
- بختیارزاده، فاطمه؛ جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۴۰۰)، «ارزیابی علل رشد و گسترش افراط‌گرایی مذهبی در آسیای مرکزی (۲۰۰۹-۲۰۱۹)»، راهبرد سیاسی، س ۵، ش ۱، ۱۵۹-۱۳۷.
- نورانی بیدخت، حسن؛ شیخ‌علیان، محمد علی (بی‌تا)، جهانی‌شدن و جهان سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- حسین‌زاده شانه‌چی، غلامحسین (۱۳۹۳)، تاریخ اسلام در آسیای میانه و قفقاز، قم: مرکز ترجمه و نشر جامعه‌المصطفی.
- احمدی، حمید (بی‌تا)، اسلام در جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات کیهان.
- رنجبر، مقصود؛ صیاد، محمدرضا (۱۳۹۲)، «ستیز دولت و افراط‌گرایی اسلامی و تأثیر آن بر توسعه در خاورمیانه»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۳، ش ۳، ۱۰۳-۸۳.
- سجاد پور، محمد کاظم؛ پورقربان نیای، آسیه (۱۳۹۷)، «چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی»، آسیای مرکزی و قفقاز، س ۲۴، ش ۱۰۳، ۹۹-۶۵.
- عباس‌زاده‌فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی به القاعده)»، سیاست، س ۳۹، ش ۴، ۱۲۸-۱۰۹.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۲)، نظریه‌های امنیت، چ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر.
- فیرحی، داود (۱۳۹۵)، «آسیای میانه؛ ایران و اسلام»، سیاست، س ۴۶، ش ۱، ۲۰۹-۱۸۹.
- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، «زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی»، سیاست، ش ۶۷، ۲۲۴-۲۰۱.
- گول نوزا ساید ازیمو (۱۳۸۵)، «فعالیت حرب‌التحریر در آسیای مرکزی» مترجم: یوسف محمودی، ایراس، س ۲، ش ۹، ۱۶-۱۷.

- نصری، قدیر (۱۳۸۳)، «بافتار منطقه‌ای امنیت»، مطالعات راهبردی، س ۷، ش ۲۴.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵)، «تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۵، ش ۵۳، ۷-۳۲.

ب. منابع انگلیسی

- Ayoob, Mohammad, (1997), "Defining security: A subaltern realist perspective", in *Critical security studies*, by Keith Krause and Michael Williams, Minneapolis: University of Minnesota press, 121-148.
- Buzan, Barry, Wæver, Ole, (2003), *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dittmer, Lowell (2007), «Central Asia and the Regional Powers», *China and Eurasia Forum Quarterly*, Vol. 5, No. 4, pp. 7-22.
- Dyner, Anna, Legieć, Arkadiusz, Rękawek, Kacper, (2015), *Ready to Go? ISIS and Its Presumed Expansion into Central Asia*, Policy Paper, No.19(121), 1-16.
- Eurasianet, Accessed on (2016), *Summit Focuses on Central Asia's Islamic State Anxieties*, <http://www.eurasianet.org/node/75091>.
- Gabdullin, Eldar, (2011), *Central Asia: Geopolitics, Security and Development Scenarios*, *Central Asia and the Caucasus*, Vol.12, Issue1, 22-35.
- Joshua D. Freilich, Jeff Gruenewald and Marissa Mandala(2018), *Situational Crime Prevention and Terrorism*, *Criminal Justice Policy Review*, 2019, Vol. 30(9) 1283–1311, [sagepub.com/journals-permissions](https://doi.org/10.1177/0887403418805142) DOI: 10.1177/0887403418805142, journals.sagepub.com/home/cjp.
- International Crisis Group,(2015) *Policy Briefing, Europe and Central Asia Briefing*, Beshkik/ Brussels.
- Kazinform international news agency, Accessed on (2016), *Kazakhstan, Russia suggest creating «Islam against terrorism» forum*, <http://www.inform.kz/eng/article/2828701>.
- Matthew D. Phillips, Ph.D. and Emily A. Kamen (2014), *Entering the Black Hole: The Taliban, Terrorism, and Organized Crime*, *Journal of Terrorism Research, JTR*, Volume 5, Issue 3–September 2014, <http://doi.org/10.15664/jtr.945>.
- McLean, Wayne, (2011), *Regional security complex theory and insulator states: The case of Turkey*, Honours thesis, University of Tasmania.
- Milad Haghania, Erica Kuligowski, Abbas Rajabifardc, PeterLentinid(2022), *Fifty years of scholarly research on terrorism: Intellectual progression, structural composition, trends and knowledge gaps of the field*, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, Volume 68, January 2022, 102714. <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2021.102714>.
- President of Russia, Accessed on (2016), *Meeting of the CIS Council of Heads of State*, <http://en.kremlin.ru/events/president/news/50515>.
- *Securitization Revisited*", First Edition, Routledge
- Stobdan, Phunchok, (2014), *ISIS in Central Asia*, IDSA issue brief, 1-5.

- The Diplomat, Accessed on (2016), China Hosts SCO's Largest-Ever Military Drills, <http://thediplomat.com/2014/08/china-hosts-scoss-largest-ever-military-drills/>.
- Weber, Edmund, (2005), "The Official Interpretation of Islam under the Soviet Regime A Base for Understanding of Contemporary Central Asian Islam", Journal of Religious Cultur, No. 77, 1-19.
- Svante E. Cornell, (2020), The Armenia-Azerbaijan Crisis, October 30, The Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program Joint Center.
- Stobdan, P (1998), «China's Central Asia Dilemma», Strategic Analysis, Vol. 22, No. 3, pp. 399-408.